

مشروح اولین جلسه هیئت اندیشه‌ورز فضای مجازی

مورخ ۹۷/۰۵/۲۹



با تشکر از واحد صوت و تصویر جلسه

بسم الله الرحمن الرحيم، ربنا أفرغ علينا صبراً و ثبت أقدامنا وأنصرنا على القوم الكافرين

خواهران و برادران عزیز، سلامٌ علیکم؛ خیلی خوش آمدید، از اینکه دعوت ما رو پذیرفتید از یکایک شما عزیزان صمیمانه سپاسگزارم. به همه شما بزرگواران خیر مقدم عرض می کنم و خدای متعال رو شاکرم که این توفیق حاصل شد تا در این محفل نورانی در جمع با صفای شما فعالان رسانه ای جبهه انقلاب باشیم. ما به اهمیت و حساسیت کار شما در عرصه رسانه و فضای مجازی واقفیم و می دونیم که شما در صف مقدم مبارزه با هژمونی رسانه ای و عملیات روانی پیچیده دشمن قرار دارید و در این عرصه خطیر در معرض انواع توهین ها، تهمت ها، تهدید ها و بی حرمتی های دشمنان وایادی آنها در داخل و گاهی دوستان کج فهم هستید ولی همه این دشواری ها رو به خاطر آرمانهای بزرگی که بهش اعتقاد دارید و اعتقاد داریم تحمل می کنید. اگر در عرصه جنگ سخت و جنگ نظامی پرچم مبارزه با دشمنان به دست «مدافعان حرم» هست در عرصه جنگ نرم و جهاد کبیر این پرچم به دست پرتوان شما و امثال شماست که به حق «مجاهدان قلم» هستید. خلاصه اینکه ما قدردان شما و تلاش هاتون هستیم، به وجودتون در جبهه انقلاب اسلامی افتخار می کنیم و خودمون رو خادم شما عزیزان می دونیم و برای تک تک شما و خانواده های محترمتون آرزوی موفقیت و سلامتی داریم.

هدف از تشکیل این جلسه بعد از عرض ارادت و سپاس از خدمات شما به جبهه انقلاب، تشکیل یک هیئت اندیشه ورز به منظور هم اندیشی در موضوعات راهبردی است که می تونه فرصت ها و تهدیدات جدیدی رو برای انقلاب اسلامی در پی داشته باشه. دشمنان ما و به خصوص شیطان بزرگ پس از چشیدن طعم تلخ شکست های پی در پی از انقلاب اسلامی به خصوص در محور مقاومت، تمام تلاش خودش رو معطوف به ایجاد یک جنگ ادراکی و عملیات روانی با هدف بزرگ نمایی ضعف های داخلی و از همه مهمتر مشکلات اقتصادی کرده، تمام هدفشون اینه که با استفاده از شبکه همکار غرب گرا در داخل، جمهوری اسلامی رو از درون با چالش ناکارآمدی درگیر کنه و به کمتر از تغییر نظام هم راضی نمی شن، لذا جنگ جنگ اراده ها و عزم هاست و نفس حضور شما عزیزان به عنوان فرماندهان و استراتژیست های رسانه ای در این جلسه و استماع نظرات و راهکارهای کارشناسانه برای اتخاذ تصمیمات درست برای ما موضوعیت داره و قابل بهره برداریست. در مورد نحوه مشارکت و همکاری هم ما کاملاً تابع نظر اکثریت اعضا خواهیم بود. در ادامه جلسه برادر عزیزم جناب آقای دکتر قدیری ایبانه توضیحات تکمیلی رو در خصوص اهداف و چشم انداز این جلسات ارائه خواهند کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم، من یہ سیر سابقہ ای بگم کہ چه شد به اینجا رسیدیم و از اینجا به بعد چه می خواهیم بکنیم که مشارکت دوستان رو می طلبه. کار هم کار دوستان است. یعنی ما صرفاً تدارکاتچی جلسه هستیم و از اینجا به بعد تابع نظر رفقا هستیم. خبر این اولین جلسه رسمی عمومی ماست. ایده ای مطرح شد تحت عنوان اینکه هیئت اندیشه ورزی از دوستان رسانه ای انقلابی جمع بشوند و هم اندیشی بکنند، منتها بنابر تجارب گذشته می گم تو این جلسات همفکری، جلسه میذاریم که جلسه بذاریم! خیلی خروجی خاصی نداره، قبل از این جلسه ما صحبت هایی داشتیم با دوستان که تو این جلسات قرار است چه بشود. چه کار کنیم که این جلسات ما با جلسات مشابه ای که دوستان رسانه و فضای مجازی حضور دارند تفاوت داشته باشه. اولین تفاوت ماهوی و اساسی که وجود داره اینه که تو جلسات فعالان رسانه و فضای مجازی معمولاً بچه ها رو جمع می کنن برای کار در فضای مجازی، برای همفکری، همکاری و احتمالاً وحدت نظر در فضای مجازی؛ ولی اون چیزی که بیشتر مد نظر ماست اینه که بچه های فعال در فضای مجازی رو بیاریم در مواجهه با مخاطب در فضای حقیقی. حالا چرا بچه های فضای مجازی؟ چون اینها نخبگی شون رو تو ارتباطات به منصف ظهور گذاشتن، افرادی هستن که زبان مخاطب رو فهمیدن؛ می دونن، حالا از تعداد دنبال کننده هاشون مشخصه، مطالب خوبی میزنن، اهل گزیده گویی هستن، یعنی مثلاً تو فضای توئیتر، قالب آدم رو ناچاراً کم گوی و گزیده گوی تنظیم می کنه، تو این فضا چیزی که الان نیاز شنیداری مخاطبه، منبرهایی که پنج دقیقه فقط مقدمه و سلام و صلوات دارد نیست، بابا مخاطب رفت! تو باید توئیٹ وار یہ جمله بگی، مطلب رو برسونی بری و این ویژگی در واقع بچه های فضای مجازی وجو داره که گفتم اون علم ارتباطات رو بصورت عینیش بلدن، عملیش رو کار کردن، مخاطبشون رو دارن، حرفای خوبی میزنن، خوب حرف می زنن و اگه قرار باشه کسی یا کسانی رو جذب بکنیم کی بهتر از این دوستان، منتها نکته اینه که میدونید الان طبق آماری که ایسپا داده بود حدود شصت و اندی درصد از مردم با انواع و اقسام شبکه های اجتماعی دارن کار می کنن، اکثراً هم از طریق موبایل های هوشمند، که بیشترین آمار هم مربوط به تلگرامه، بعد اینستاگرام و حالا نقطه مشترک تقریباً همه ماها که توئیتره، ۲/۵ درصد مردم ایران عضو توئیتر هستن، اکانت توئیتری فعال یا غیرفعال دارن ولی چون فضای توئیتر فضای داغیه، یہ مطلب میزاری بازخورد میگیری، دعوا، بد و بیراه، چون صدا خوب داره می پیچه فکر میکنیم صدای ما به کل عالم داره میرسه! کسایی که مخاطب شما و من و انقلابی و ضد انقلابه همه و همه شدیم ۲/۵ درصد! منتها گفتم چون صدا تو گوشمون داره می پیچه فکر میکنیم داریم گوش عالم رو کر میکنیم! با این ویژگی هایی که گفتم اینایی که خوب حرف میزنن و حرف خوب میزنن بیایم وصلشون کنیم به فضای حقیقی، مساجد، منابر، هیئت ها، فرهنگسراها و همه جاهایی که امکان داشتن مخاطب حقیقی هست. ما قرار بود تو پیش فرض ذهن خودمون و پس زمینه ذهنمون در فضای مجازی هم فعالیت بکنیم. قرار بود سنگر فضای مجازی رو هم داشته باشیم و در فضای مجازی هم فعالیت بکنیم، اما عملاً اونقدر تو اون قضیه غرق

شدیم که فضای حقیقی و مراودات چهره به چهره رو فراموش کردیم. کی تو یکسال گذشته یادمون اومد که این هم لازمه؟ دو جا، یکی شب انتخابات که حکم شب امتحانات و شب قدر ما رو داره، شب انتخابات، وقتی خسته از این جدل های توییتری احساس خطر کردیم، رفتیم تو خیابونا با مردم صحبت کردیم. یعنی اونجا که به اضطرار رسیدیم تازه رفتیم تو خیابون برای تبیین که آقا قضیه اینه! انتخابات داستانش اینه! آقای روحانی اینه! آقای رئیسی اینه! نتیجه این خواهد شد! انتخاب خودمون دودش تو چشم خودمون خواهد رفت! می خوام بگم اون اضطراری که اون موقع به درستی بهش رسیدیم اولاً، و تو موضوع آشوب های دی ماه و اخیر بعضی مثل حاج حسین یکتا برنامه هایی داشتن و از نزدیک با مردم صحبت کردن ثانیاً، این دو جا، یکی شب انتخابات یکی هم بحث مشکلات اقتصادی و تو بازار چرخیدن ها، تنها دو جایی بود که من سراغ دارم از این فضای مجازی کندید اومدیم کف خیابون با مردم صحبت کردیم، خب اگه اعتقاد داریم هر موقع به اضطرار می رسیم باید با مردم رودررو صحبت کنیم، چرا از الان کلیدش رو نزنیم؟ چرا یه خورده با دورخیز بیشتر، با توان بیشتری نریم سراغ این جور مسائل و از این ظرفیت های حضوری و فیزیکی استفاده نکنیم؟ من به شخصه سراغ ندارم کسی تو فضای مجازی قانع شده باشه، یعنی تو اون جنگ رسانه ای و تبادل آتش کسی قانع نمیشه، ممکنه کسی سکوت کنه و کم بیاره ولی قانع نمیشه. اولاً بسیاری از نهادها و ارگان خیلی زور زدن بچه های فعال فضای مجازی رو جمع کنن برای هشتگ های هماهنگ، برای ترند کردن مطالب، برای چه و چه! اما بنای ما این است که از تجربیات دیگران استفاده کنیم و این یه تجربه ی شکست خورده است، هیچ کسی حاضر نیست زیر ابلاغ آقایون بره، آقا اینو بزن! اینو فردا برید توییت کنید! فلان کنید، هیچ کس زیر بار این دستورات نمیره، ضمن اینکه دوستان به قاعده ی آتش به اختیار تو فضای مجازی فعال هستن، خودشون مغز متفکر، افراد دست به قلم، خودشون میزنن، اینکه شما بیاید دوستان رو از رخوت و رکود در فضای مجازی دربیارید که چیزی منتشر بکنید، خودشون الحمدلله دارن این کار رو انجام میدن، اون چیزی که جاش خالیه و نیاز به هماهنگی داره مهمترین وجهش ترمیم وجهه و دیدار حضوری با مردم و مخاطب واقعیه.

دکتر اسماعیلی، رییس فرهنگسرای رسانه و شبکه های اجتماعی

من اینجوری حس میکنم که داخل یه کشتی هستیم که در و دیوارش نشی داره و آب میاد تو کشتی و کشتی داره میره زیر آب و این اتفاقاتیه که تو این چند ساله افتاده و جریانی که تو فضای مجازی شاهدش هستیم. من امروز عکسی رو دیدم یه جمعی از طلاب حوزه علمیه در یک سالن مجلل و کاخ مانند حضور دارن و بالاش یه عکس دیگه از چند بچه فقیر داخل یک بیغوله قرار داده شده بود، شاید عدد و رقم خسارتی که فقط این عکس به جامعه وارد می کند رو نتونیم محاسبه کنیم هر چند ممکنه عکس متعلق به دهه شصت باشه ولی اینها تخریب می کند،

واقعا اون مثال کشتی رو که گفتم داره آب میاد داخلش، یعنی ما داریم تبدیل به یک انبار باروتی میشیم که منتظر یک جرقه است، تو سال ۸۸ درگیری خیلی خونینی کف این شهر بود که خدا نیاره اون روزها دوباره تکرار شه ولی یه بغض خیلی شدیدی داره بر علیه حزب الهی ها شکل می گیره به خصوص در فضای مجازی که اگه این سر باز کنه، فضای خیلی غمباری رو شما شاهد خواهیم بود، باید بیشتر از یک اتاق فکر و یکی دوساعت جلسه تشکیل داد، اوضاع خیلی خرابتر از این حرفهاست حالا این حرفهارو ما تو جمع عمومی نمی تونیم بزنیم، بالاخره اونجا باید امید بخشی کنیم، باید حرفهای خوب بزنیم، حرفهای شیک و مجلسی بزنیم ولی خب اینجا یه جمع خودیه و ما باید بپذیریم که شرایط، شرایط خیلی بغرنج و خطر ناکیه، همه کاسه کوزه ها داره سر ما شکسته میشه، یعنی ناکارآمدی دولت، براساس یک نقشه، براساس یک سناریو و توهین فضای مجازی داره سر ماها شکسته میشه کانه ما این وضعیت را بوجود آوردیم، کانه ما مسبب نوسان نرخ ارز بودیم، انگار این چند هزار میلیارد رو حزب الهی ها گرفتن بردن معلوم نیست چکار کردن! من پیشنهاد میکنم اول از همه بپذیریم بازی تو این فضاست یعنی میدان مسابقه هنوز فضای مجازیه و این بازی با قدرت داره ادامه پیدا میکنه، هر دم ازین باغ بری می رسد، هر روز یه سناریو، یه عکس، یه فیلم، یه کلیپ، اصلا هم ما نمیدونیم از کجا داریم می خوریم، هر روز که ما صبح بلند میشیم، می بینیم یه جو جدیدی راه افتاده، با هدف زدن حضرت آقا، خود حزب الهی ها، سپاه و مجموعه های ارزشی نظام، اینه که من نظرم اینه که این قضیه رو کوچک نبینیم. یه باکس خیلی ارزشمندی براش همیشه در نظر بگیریم. من هنوز فکر میکنم که ما تو حوزه تولید محتوا بارمون زمین مونده. این آرایشگرای قدیمی وقتی که مشتری نداشتن می نشستن سر همدیگه رو اصلاح می کردن، حضرت اقا سال گذشته یه صحبتی داشتن تو جمع بچه های ارزشی به این نکته اشاره کردن که شما دارید اشتباه می کنید که همش برای خودتون برنامه تولید می کنید. این که من یه گروه و کانال داشته باشم و رفقا جمع کنم و هی پست بذاریم و برای هم احساس تکلیف کنیم این خوب نیست، ما دور هم جمع شدیم و برای همدیگه پیام میفرستیم این حل مشکل کار نیست، من پیشنهادم اینه که تو حوزه تولید محتوا اول یه مرتبه مرور کنیم، هر کسی هر بضاعتی داره بیاد وسط بشینیم تعیین راهبرد و استراتژی داشته باشیم برای این تولید و توزیع محتوا. ما خیلی جاها تولید محتوا داریم اما توزیع نداریم. یعنی الان صدا و سیما ما منبع عظیم تولید محتواست، شماها نمیدونید چقدر داره تولید محتوا میشه تو تلویزیون و رادیو، چقدر برنامه های ارزشمند و کارشناسی مطابق با اهداف انقلاب اسلامی، ولی اینها کجا میره؟ ما ۱۰ سال خودمونو کشتیم تو سازمان صدا و سیما که آقا، حضرت آقا از شما میخواد که شیر فلکه این محتوا رو باز کنید، دو تا معاونت تشکیل شد در صدا و سیما و عین دوتا هم رفتن تو باتلاق IPT و بحث های مربوط به تلویزیون اینترنتی و هیچ کاری نکردن! و الان که من دارم با شما صحبت میکنم، کارنامه صدا و سیما تو حوزه فضای مجازی نزدیک به صفره، اینهارو کی باید فکر بکند؟ صدا و سیما که دیگه متعلق به ماست. سازمان تبلیغات که دیگه مال ماست. امور مساجد که دیگه مال ماست. ذهن ها خسته است، من شاید بالغ بر ۱۵۰ مقاله و یادداشت منتشر شده دارم در فضای مجازی، ولی

الان من به این نتیجه رسیدم که مردم نمی خون، متن های طولانی رو نمی خون، ذهن مردم تربیت شده برای یک عکس نوشته، فتوتیتر، ویدئوهای یک دقیقه ای، شما باید هنرمندانه تو یه دقیقه حرفت رو بزنی، یعنی اینقدر با سرعت داره این قطار حرکت می کنه که شما باید در حال حرکت حرفت رو بزنی اصلا مخاطب صبر نمیکنه شما براش توضیح طولانی بدی، علت اینکه پای منبرهای ما خالی شده اینه، علت اینکه مساجد از جوونا خلوت شده همین، جوون ما میشینه پشت سیستم با فشردن یه دکمه ۴۰ تا سایت باز می کند و به سرعت اونهارو بازدید میکنه و میره.

دکتر توحید عزیزی، پزشک و فعال رسانه ای

ما توی فضای مجازی تحت تهدید های زیاد هستیم، هم خودمون هم خانواده و فرزندانمون، متأسفانه تحت تهدید به قتل، تهدید به تجاوز هستیم. من فکر میکنم ما توی تولید محتوا در فضای مجازی مشکل داریم. اینکه ما وارد فضای حقیق هم بشیم، اگر بخواهیم وارد فضای حقیقی هم بشویم ممکنه بازهم تعارضی بوجود بیاد چون کسانی که در فضای مجازی فعال هستند ممکنه لزوما در فضای حقیقی نتونن اون فن بیان لازم رو برای برقراری ارتباط با مخاطب داشته باشن، مساله دیگه اینه که از نظر تولید محتوا دستمون خالیه، خیلی کارمون جلو نمیره، یعنی به هر جهت به دلیل مشغله های کاری نمیتونیم کار تحقیقاتی انجام بدیم و محتوای مولتی مدیایی که خارج از تخصص ما هست رو تولید کنیم. اگه محتوایی وجود داشته باشه مثل فیلم خیلی تاثیرگذاره، مثلاً دانشگاه خواجه نصیر من رو دعوت کرده بودن برای نقد فیلم آلبرتای ۳ که خب با توجه به اینکه من در آمریکا زندگی کردم تونستم تا حدی کمک کنم. یعنی اینکه یه ابزاری به ما بدین، یه سلاحی به ما بدین که ما بتونیم با اون سلاح وارد بشیم و گرنه شاید خود ما به تنهایی چیزی نداشته باشیم برای ارائه.

همچنین برای تولید محتوای عامه پسند، خودم به واسطه تحصیلات و سنم شاید نتونم با جوون ۱۸ و ۲۰ ساله خیلی خوب ارتباط برقرار کنم ولی خب گروه های جوون تری هستن که دارن کار می کنن هرچند ممکنه خطا هم داشته باشن، مثلاً یه گروهی می دیدم به نام کبریت مدیا، که کلیپ های ۲ و ۳ دقیقه ای تولید میکنند با موضوعات عامه پسند، که ما هم می تونیم به همین روش گروه هایی رو سازماندهی کنیم و متأسفانه ما نتونستیم از ظرفیت هامون درست استفاده کنیم، اینهارو باید بیشتر تقویت کنیم و ما که فعال فضای مجازی هستیم بیشتر منتشر کنیم نگران این نباشیم که این گروه ها ۲ تا کلیپ بد ساختن ما دیگه کلیپهای خودشون رو منتشر نکنیم ما باید فعالتر باشیم یه نکته ای هست که من نمیدونم چجوری باید به بالاتر منتقل کرد و اون اینه که ما یه استراتژی کلان در زمینه فرهنگی و همچنین فرهنگ مجازی نداریم به نظر من فرهنگ یجورایی یتیمه و از اول هم یتیم بوده یعنی کاری هم که وزارت فرهنگ میکنه تقسیم کاغذ به روزنامه ها و مجوز دادن به فیلم هاست. که اون هم

پر از سیستم رانتی و مساله های پشتشته، ولی کار فرهنگی به نظر میاد مغز کلی بالاش نیست و یه شکاف فرهنگی عظیمی توی جامعه است و این شکاف حتی از شکاف اقتصادی هم بزرگتره، من اصلا نمی تونم به زبون خیلی از مردم صحبت بکنم بخاطر اینکه اینقدر شکاف عمیقه من اصلا نمیتونم اونهارو ببینم، مثلا وقتی توی اتوبوس یا مترو کنار یه شخصی هستم و حرفاش رو میشنوم اصلا انگار از ۲ کهکشان جدا اومدیم و ما هیچ زبان مشترکی با هم نداریم این رو من فکر میکنم با اضافه کردن افرادی که یک مقداری جوون تر هستند، یعنی از لحاظ سن پایین ترند و از لحاظ اعتقادات هم اونقدر وابستگی مستقیم به نظام ندارن، با قبول کردن این افراد تو جمع ما می تونیم این شکاف عمیق رو ترمیم کنیم بخاطر اینکه ما خودمون اون قابلیت رو نداریم.

محمد حسین خوش بیان، مستند ساز

اولا خیلی ممنونم بخاطر این جلسه، من فکر میکردم مثل جلسات دیگه هست، این جمله که شما فرمودین ما قراره از مجاز به حقیقت برسیم خیلی نقطه کلیدی، من ۴ و ۵ سال پیش خدمت رفقا می گفتم که حرکت ما اصلش باید از مسجد شروع بشه دوستان فرمودن استراتژی نداریم، نه داریم بهش رجوع نمیکنیم یعنی تا دلتون بخواد هم نمونه های آزمایش شده در تاریخ داریم، این نکته که فرمودین راجع به اینکه مردم باید وجهه مارو ببینن، ما جمعیت هایی در تاریخ داشتیم مثل عیاران و طیاران و اخوان الصفا و نظایر آن که اگه بررسی کنیم می بینیم که بیشتر شیعه بودن تا اهل سنت، مثلا ما یه جمعیتی داشتیم به اسم دستگیران، در تبریز که در اوضاع قحطی و وضع اقتصادی بد جامعه جمع می شدند و افتخار می کردن که باید به محرومین کمک کنن. یا مدلهای اجرا شدش رو میتونیم در جنوب لبنان ببینیم که شهید چمران چقدر زیبا میاد اون جامعه رو هدایت می کنه و بهش ماهیگیری یاد میده، تو خاطرات سید حسن نصرالله هست که شهید چمران اومد یه دستگاه تراش آورد و ما برای اینکه امرار معاش داشته باشیم پیچ می تراشیدیم یعنی یه کار عملی به فقرای اون منطقه که شیعه بودن یاد میده که یکی شون میشه سید حسن نصرالله. خب ما این چیزهارو فراموش کردیم و بیشتر از اونکه به مردم فکر کنیم دولتی شدیم چونکه دولتی شدیم و مردم رو فراموش کردیم نتونستیم به رسالتمون عمل کنیم. پس واقعا راه هست، استراتژی هست ما بهش رجوع نمی کنیم یه نمونش رو من یه جا مطرح کردم که آقا جون ما احيایی که تو ماه رمضان داریم و اینقدر هم راجع بهش مانور میدیم خیلی کار فرهنگی بزرگی انجام میده در دل جامعه، خب ما یه مستحب موکدی هر هفته داریم شب های جمعه. خب چرا نمی آید در همه مساجد تهران این سنت رو دوباره زنده نمی کنید همین تجدید خیلی از سنت هایی که در مذهب ما هست، در دین ما هست، در شریعت ما هست خودش فرهنگ سازی خیلی عدیده ای رو در پی خواهد داشت مثل احيای شب جمعه ها. ما هر چه می کشیم از سازوکارهایی که رضا شاه ملعون باب کرد و جمهوری اسلامی مهر تایید بهش زد. ما سبک زندگی رو از همون

زمان داریم ما هفت صبح می آییم سرکار و ۴ بعدازظهر تعطیل می کنیم دین ما با اذان صبح شروع میشه با اذان مغرب تموم میشه همین تغییر زمان برکاتی خواهد داشت که اصلا نمیشه شمردش. فرمودن محتوا کم داریم، نه اتفاقا محتوا زیاد داریم ارجاع به محتوا نیست و بر خلاف نظر دوستانی که میگن در شرایط بحرانی هستیم، نه اتفاقا در یکی از مهمترین دوران ها هستیم شاید اون محیط مجازی که شما داخلش حضور دارید بحرانیه، به همین دلیل اکثر رفتار ما در فضای مجازی تدافعیه تا تهاجمی، در صورتی که در خیلی از انتخاباتهای اروپا و آمریکا شما می تونید تاثیر گذار شوید اگر بخواهید. شما ببینید یک گروه کوچک روسی با هزینه خیلی اندک در انتخابات آمریکا تاثیر می گذارد. چون آمریکا فکر نمی کنه که اصلا تهدید خارجی وجود داره مثل ما. ما در ۲۰ و ۳۰ تا کشور تهاجم فرهنگی داریم آمریکا چنین چیزی نداره. ما اگه یه گروه کوچک متمرکز شویم روی امریکا راحت می تونیم تاثیر بگذاریم و من این تاثیرات رو به عین دیدم که اگر فرصت شد در جایی دیگه بهش می پردازیم. بنابراین من اصلا فکر نمی کنم وضعیت خیلی خطرناکه و بغض علیه حزب الهی ها خیلی زیاده، نه اصلا، اتفاقا من اینطور فکر نمی کنم. چون روحانی سرکاره، وجهه اصلاح طلبانه داره با شعارهای ضد نظام و سپاه و اینها سرکار اومده و تو وعده های خودش مونده، اتفاقا ما در بهترین جا هستیم. اتفاقا من تو بحث هایی که تو اتوبوس و تاکسی و مترو صورت می گیره دست بالاتر رو دارم که در دوره مثلا احمدی نژاد نداشتیم همچین دست برتری رو. دور دور ماست و این فضای اشرافیت و رفاه مطمئن باشید مردم مخالف نیستن، چیزی که مردم باهاش مخالفن فساد. اگه دستگاه قضایی همین فردا یه سلسله اعدام راه بندازه و با پتک آهنین برخورد کنه مطمئن باشید اونها هم جلوی چشمتون میاد واقعا همینطوره، مردم ما یه مقدار تجملی ان، این یه اخلاق بد تو مردم ماست، مردم ما اشراف رو دوست دار، من با خیلی از شرکت های خارجی صحبت می کنم میگن کالاهای لوکس و لاکچری تو ایران جواب میدی ولی تو اروپا جواب نمیدی. مردم دوست دارن که اشرافی بشن و این یه ضعف اخلاقی مردم ماست که باید روش کار فرهنگی انجام بش. مردم نمیگن اگه یه آخوند تو یه ساختمان اشرافی زندگی می کنه بدشون بیاد بلکه میگن اگه این آخوند با پول خودش خب نوش جونش. من نظرم اینه که ما باید به دستگاه قضایمون فشار بیاریم که این همه مطالبه رهبری چی شد آخرش؟ کی باید برخورد بشه؟ نکته بعدی اینه که ما متخصص ایجاد جریانهای موازی هستیم. از اون طرف ما نمیتونیم ارتباط با جریانهایی که ایجاد کردیم رو برقرار کنیم ما یه حرکت خیلی عالی در چند سال قبل داشتیم به اسم طرح صالحین. خب این در مورد همین رنج سنی جوانان نتیجه هایی داده که دوستان فرمودن، اگه ما این رو وصل کنیم به بدنه اجتماعی جامعه و در کارگروه های اقتصادی اجتماعی فرهنگی بصورت مویرگی، این شبکه رو الان ایجاد کردن. من چند سال قبل توی طرح صالحین کار میکردم. خیلی طرح عالییه خب چرا این بدنه مویرگی رو به اجتماع از همه لحاظ ارتقا نمیدیم. بنابراین بیان همون چند جمعیت دستگیران در تبریز رو به یه شکل دیگه ای ایجاد کنن برن درد مردم رو بشنون و حرف بزنن، اگه فساد یه هست برن گزارش بدن و جمع کنن، این یه مساله فوق العادس، و اگه امتیازهایی هم قراره داده بشه، امتیازهای حقیقی باشه که یه نفر رفته و جوانمردی

کرده، تو محله ش شناسانده بشه نه امتیازهای مجازی که تو دفتر صالحین مثلا ۱۰۰ امتیاز داره. بعد مردم می شناسن اونو به عنوان جوانمرد این قوم.

ادبی، مدیر داخلی سابق شبکه اعزام سخنران عمار

مباحثی که اینجا طرح شده جایی که بخواد رسیدگی بکنه نمیشه یکجا جمعش کرد. نکته بعدی اینکه مجموعه های مختلفی هم دارن قوی فعالیت میکنن. پیشنهاد میکنم که تو این حوزه ها شناسایی بشن و از ظرفیت اونها استفاده بشه و ما اون رو تکمیل کنیم. مثل شبکه اعزام سخنران عمار، ما در مجموعه عمار ۱۰ سال فعالیت کردیم و همچنین مجموعه شهید باقری و قرارگاه خاتم الاوصیا. ولی متأسفانه بعضی از این مجموعه ها حاضر به همکاری مشترک و هم افزایی نیستند نکته بعدی اینکه کار در فضای مجازی یه ریزه کاری هایی داره مثلا شبکه های پیام رسان خارجی مثل اینستاگرام و تلگرام بازی در زمین کس دیگری است، یعنی شما باید با قواعد و روشهای اون بازی کنی معمولا فضا منفعلانه است یعنی ما باید بایستیم یه حمله ای بشه و ما جوابشون رو بدیم احساسم اینه که ما باید فکرمون رو عوض کنیم یعنی ما وقتی میخوایم توی تلگرام یا توئیتر پست بذاریم یا هر چیزی ما عقبیم، زدن شیشه با سنگ خیلی سادست ولی درست کردن که کار ماست خیلی سخته. یعنی شما باید کلی زحمت بکشی تا یه مطلبی جا بیفته منتها در بی بی سی میاد یه شبهه میندازه ماهیت کار رو میخوام بگم شما رو عادت میده که ۳۰۰ کلمه بیشتر نخونی و عکس و فیلم ببینی و کاملا زمینه برای القا شبهه مناسبه. چون میاد یه شبهه ای رو میندازه و به مخاطب این اجازه رو نمیده که بخواد بحث کنه و اقناع بشه، میخوام بگم که نیاز به بچه حزب الهی ها بیان جمع بشن و برای این یه فکری بکنن که این بازی تو زمین دشمنه تا ما بخوایم تو اینستا بچنگیم و پاسخ بدیم و فالوری کم و زیاد بشه میشه ماجرای امیر تتلو تو انتخابات. ما باید نوع کارمون عوض شه، ما محتوا کم نداریم با ارائه محتوا مشکل داریم محتوای ما نیاز به عمق داره منتها جایی نیست که ما اون رو ارائه بدیم باوری که با یه عکس بیاد ممکنه با یه عکس دیگه بره. ما اشتباهمون اینه که اول نماییم آفت ها رو شناسایی کنیم معمولا آفت ها رخ میدن و ما بعد می آییم با اون مقابله می کنیم.

خانم اورعی، گوینده خبر، مشاور رسانه ای موسسه خیریه حضرت رقیه(س)

حدود ۱۵ سال هست در تلویزیون هم به عنوان نویسنده و هم مجری و هم تهیه کننده فعالیت میکنم، در فضای مجازی هم سمتی ندارم در اینستاگرام فعال هستم ودر مورد نکاتی که مطرح شد آقای دکتر عزیزی گفتن من نمیخوام غر بزنم، ولی الان من اومدم که خیلی غر بزنم و من با توجه به سالهایی که در رسانه کار کردم بیش تر

درفضای رسانه، تلویزیون صحبت میکنم و به دلیل سمتی که در موسسه خیریه دارم خیلی با گروههای مختلف در شبکه های مختلف و تهیه کنندگان مختلف و مجری ها و بازیگران، سلبرتی ها، شاخ اینفلوئنسرهای خیلی مرادده و صحبت و جلسه داشتم، چیزی که من احساس میکنم دو تا نکته است: یکی بحث افراط و تفریط است در بچه های مذهبی، من ندیدم واقعا ندیدم کسی مثل مقام معظم رهبری تو بحث افراط و تفریط آنقدر معتدل باشه، در هر بحثی اعتدال را رعایت می کنند به خصوص بحث سخنرانی اخیرشون که ممکنه گاهی شکایت برخی از ماها رو هم برانگیخته باشه که بابا این همه مسئله هست، مشکل هست، باز هم شما می گید فساد نیست اونجوری که ما می گیم، ولی این میانه روی برای جامعه الان نیاز است. ما چیزی که با آن مواجهه هستیم حتی توی همین جمع بحث افراط و تفریطه. یکی از دوستان می فرمایند که صدرصد ما محتوا داریم خیلی زیاد هم داریم اما سراغش نمیرویم، یکی دیگه از دوستان میگه ما اصلا محتوا نداریم ما اصلا استراتژی نداریم، یکی از دوستان میگن که ما اصلا نباید بریم سراغ اینستاگرام باید بریم متن کوتاه بزنین توی توئیتر، یعنی تو همین فضا هم ما بحث افراط و تفریط داریم هیچ وقت خط مستقیم رو نگرفتیم که دنبالش بریم. در فضای مجازی الان ما یک صدرالساداتی داریم چند مدت که یک بحثی رو راه انداختن و خودمون با خودمون داریم میجنگیم، بچه های حزب اللهی رو اصلا ول کردن که بقیه دارن چی میگن ساشا سبحانی و محسن مرادیان و همه این آقا زادگان را ول کردیم و داریم خودمون با هم حزب اللهی ها میجنگند، و با هم درگیرند و هیچ کس هم در آخر نمیپرسه که در آخر چی؟ چه اتفاقی قرار بیفته، به نظرم این افراط و تفریط در همه فضاها هست، در این فضا هم باید همین اتفاق بیفته همین کاری که در واقع قرار این جمع انجام بده و امیدوارم این بحثی که ما از فضای مجازی وارد حقیقی میشیم خوبه هر چند فضای مجازی الان به شدت تاثیرگذار به شدت، ما با گروه بچه های ماه عسل یک گفت و گو و صحبتی داشتیم سر قضیه "یاسی اشکی" که حالا کم و بیش در جریان هستید من خیلی در این مسئله ورود کردم و بحث کردم با خود آقای علیخانی و کسانی که در این ماجرا بودن به عنوان یک نمونه میخوام نام ببرم، یک گروهی مثل ماه عسل که هیچ کدومشون در جریان مسائل خانم اشکی نبودند و هیچکدوم اطلاعاتی راجع به مسئله ۲۰۳۰ نداشتند، و وقتی هم من با آقای علیخانی صحبت کردم میگفتند خبر ۲۰۳۰ یا سند ۲۰۳۰؟ یعنی میگفت تفاوت این دوتا رو تا ۲۴ ساعت نمیدونستم چیه. در حالی که همون آقایی مثل آقای هاشمی، بیگلری، ایازی برای تبیین این واکسن و بحث گارداسیل از اینفلوئنسر ها استفاده می کردند یعنی قبل از اینکه این آدم بیاد در برنامه ماه عسل به مدت سه چهار ماه اینفلوئنسر ها مثل آناشید حسینی، زینب محمودی و خیلی از این آدم ها که خانم اند و در واقع یک اعتباری در فضای مجازی بین خانم ها دارند، جلسات زیادی را داشتند و بعد از این قضیه اون ها به شدت شروع کردن به حمایت در فضای مجازی. همین بچه های ماه عسل میگفتند ما اصلا مخاطبین تلویزیونی نداریم نیمی از مخاطبین ما مخاطب اینستاگرامی اند، کلیپ های یک دقیقه ای رو خیلی از پی اچ ها تبلیغ میگیرند، یعنی پول میگیرند بابت این جور کارها. ما با آقای ضیاء برای فورمول یک میخواستیم یک کاری انجام بدیم گفتش که

یک مبلغی دادن در فضای مجازی ما بریم با اینفلوئنسرهای یک صحبتی بکنیم یک پولی به آنها بدهیم بیان این کار ما رو تبلیغ کنن ما تو فضای خیریه این کار رو میخواستیم باهاشون انجام بدیم یعنی براش پول بذاریم کنار، الان ماه عسل این کار رو میکنه، فرمول یک این کار رو میکنه و خیلی از سریال ها، الان سریال پدر چرا اینقدر مورد استقبال واقع شد؟ چون یکسری فن هایی را ایجاد کردند برای انتشار گسترده کلیپ های یک دقیقه ای این سریال یعنی ما مخاطب تلویزیونی مون شاید ده درصد است، بیش تر مخاطب فضای مجازی که داره دیده میشه. من این رو به طور قاطع میگم شما با خیلی از فیلم رسانه ای ها که صحبت بکنید آدم هایی که تو تلویزیون هستند و خودشون دارند کار می کنند پول میدن به سایت ها و فضاهای مختلف که کارشون دیده بشه.

مثال میزنم قبل از شروع برنامه فرمول یک، یک ماه قبل علی ضیاء یک کلیپی ساخت که نزدیک ۲۰ الی ۲۵ میلیون پول داد (یک رقم حدودی است) این مبلغ رو به گروه خبر نیوز داد که یک خانم و آقا می نشستند با هم صحبت میکردند که علی ضیاء دستگیر شد موجی راه افتاد که علی ضیاء دستگیر شد قضیه اش چیه؟ چه اتفاقی داره میفته بعد برنامه فرمول یک شروع کردن به پیاده سازی و فرمول یک شروع شد و هر روز هم ما چیز های مختلفش را در شبکه ها میبینیم.

پس یه بحثم اینه که ما خیلی افراط و تفریط داریم و ما با خودمون میتونیم به توافق برسیم چهارتا بچه حزب اللهی نمیتونیم تو یک مسئله با هم توافق کنیم با هم جنگ داریم که مثلاً اگه من الان این کار رو کردم، چرا نرم سراغ این آدم؟ بله عمار کوتاهی کرده، شهید باقری کوتاهی کرده، حوزه هنری کوتاهی کرده، بسیج و سپاه بیش تر از همه کوتاهی کرده خیلی خیلی زیاد سپاه کوتاهی کرده در زمینه رسانه. ما فعالیت موسسه خیریمون مستقیم با سپاه قرارداد با قرارگاه محرومیت زدایی سپاه و نزدیک به پنجاه هزار جهیزیه در سه سال اخیر با همراهی کمیته امداد امام خمینی و قرارگاه محرومیت زدایی سپاه تهیه کردیم، من شخصا به آقای سردار نوروزی، سردار عظیمی تو معاونت آمداد و پشتیبانی صحبت کردم تو بحث رسانه اصلاً متوجه نیستند که بابا الان رسانه دنیا رو گرفته، بعد سپاه الان دنبال اینه که نه ما دنبال گمنامی هستیم، ما دنبال این نیستیم که این فضاها رو مطرح کنیم، یعنی چی واقعا؟ یعنی ما هیچی ارائه ندادیم، یعنی اگر دشمن داره کار میکنه و خوبیم کار میکنه نوش جونش برای اینکه داره فعالیت میکنه با جون و دل یعنی تمام توانش رو گذاشته با جون و دل ایران و اسلام رو نابود کنه، نوش جان داره تلاش میکنه ما چکار کردیم؟ ما چی ارائه دادیم؟ که از جوونامون میخوایم غیر از این که گفتیم حجاب و برجام؟

نگفتیم که یه بازیگر صدا و سیما یه انتقادی میکنه همه حمله میکنند اون از کیهان که هر چی از دهنش در میاد میگه، اون از آقای حسن عباسی که زیاد تند روی میکنه و بعضیا کم روی میکنند. با هر کسی گفت و گو کنید درست صحبت کنید اون اومده بلد نیست یکی اومده درباره ستاد بازسازی عتبات عالیات، فرخی نژاد چند بار پست گذاشته کیهان اومده هر چی از دهنش درومده گفته بعد فرخی نژاد اسم کیهان و تیتراژ کیهان رو گذاشته روضفحش

و گفته حالا هر چی میخواید بگید، فحشه که در زیر کامنت های فرخی نژاد به کیهان و اسلام و آقای شریعتمداری و... دادن این چه طرزش دعوا داریم با هم میخوایم بجنگیم با هم؟ این چه طرز برخوردی؟

مهری طالبی دارستانی، مسئول میز زن و خانواده معاونت فرهنگی سپاه

من احساس میکنم اون مطلبی که شما فرمودید درسته ولی من از مجاز به حقیقت رسیدم و این نصفه است. ما قراره از حقیقت به مجاز بریم و از مجاز دوباره به حقیقت برگردیم با یه پله ارتقاء، اتفاقی که داره میفته الحمدلله بیشتر این حیطه ای که دارم کار میکنم بحث اسناد و حوزه زنان و بزرگوارانی که به برنامه ما اشراف دارند دقیقاً میدونن که داریم چکار میکنیم با ۷۰۰ لیدر بانوی کشوری داریم کار میکنیم حدود دو سال هم هست که داریم کار میکنیم و بعد از جلسات تبیینی حقیقی و جذب و ارتباط عاطفی که ایجاد کردیم، هم قشر های خاکستری را تونستیم در این جریان وارد کنیم و هم اقشار مذهبی را یعنی چیز جدا از همی نیست، من بعد از اینکه حضرت آقا فرمودند که نسبت به این بانوانی که کلاً ظاهر مناسبی ندارند یا شرایط ظاهریشون شبیه ما نیست که قلباً به این جبهه تعلق دارد یه تلنگری به بنده خورد گفتم نکنه داریم این راه را اشتباه میریم که اتفاقاً داشتیم اشتباه هم میرفتیم در همین راستا شروع کردم به یکسری فعالیت هایی که بتونم این ها را جذب بکنم و الحمدلله با ارتباطاتی که گرفتیم یه تعداد را جذب کردیم و جذب هم بسیار قوی است و عزیزانی که با اون ظاهر دارند به ما کمک می کنند که در بحث ۲۲ بهمن ماه اومدن کمک ما برای لایحه منع خشونت علیه زنان کار کردند و اینقدر ظاهر اینا قرطی و... که کسی باورش نمی شود و کلی به بنده انتقاد شد که چرا اینها را وارد کردی اما یه تعداد از اینها بعد از ۶ و ۷ ماه کار با ما خودشون ناخودآگاه میرن به سمت مباحث ما بدون اینکه ما یک کلمه به اینا بگیم موهاتون رو بیوشونید یا آرایش نکنید و یا... پس میشه تاثیر گذاشت اگر یاد بگیریم که تاثیر گذاری چگونه است.

من بعضی مواقع به یه تعداد از افراد بچه هایی که یه مقدار تعصبی به این قضیه نگاه میکنن میگم اصلاً شما نمیخواد جذب داشته باشید، شما بچه های خودمونو دفع نکنید، خدا نکنه از شما یه انتقاد کوچیک بشه حیثیت طرف رو تو کل فضاهایی که میشناسید میزنید، تحمل مخالف رو ندارید فرق نمیکنه از قشر خاکستری باشه یا خودی و تحمل فکر کردن به این رو هم نداریم که این مخالف شاید داره حرف درست میزنه، شاید حرفش به کارم بیاد در ادامه روند کاری که دارم انجام میدم. متأسفانه در مورد این مسائل فکر نمیکنیم. در مورد این زمینه که با هر سلیقه ای کارمون رو انجام دادیم دیدگاه من خدارو شکر ناامیدانه نیست تا الان هم هر کاری کردیم تا حدودی جواب داده و مستمراً داریم پیش میریم و همیشه در مباحثم به بچه ها میگم ما معطوف به نتیجه حرکت نمیکنیم ما فعلاً وظیفمون رو داریم عمل میکنیم، بله برنامه هامون نتیجه محوره و داریم دنباله نتیجه میگردیم ولی این جور نیست که من افسرده بشم که چرا الان جواب نگرفتم به قطع میدونم که بالاخره نتیجه خواهیم گرفت تو قضیه ۲۰۳۰ به

همین شکل با همین بزرگواران، لایحه منع خشونت علیه زنان هم به همین شکل که قرار بود روز زن خانم ابتکار این لایحه رو به عنوان هدیه به زنان بدهند که الحمدلله با فشاری که آوردیم در قوه قضاییه حدود چهل ماده در آن اصلاح شده و سایر موارد هم داره اصلاح میشه، اسناد مختلف مثل FATF و IPC رو پیگیری کردیم، اون افرادی که پیامک میزدند و تماس میگرفتند با مجلس من بارها اعلام کردم و به خود نمایندگان هم گفتم که حرف هایی که میزنید یک ذره بار حقوقی نداره برای چی جو ایجاد میکنید؟ بچه های من بودن تماس گرفتن، خودم پیامک زدم و شماره هایی که دادم خودم دادم و من پیامک ها رو اسکرین میگیرم و همه رو دارم هیچ پیامکی نیست که به شما توهین شده باشه، چرا جو میدید؟ این مطالبه گری و هیچک جای قانون هم مخالف این کار نیست و ما مخالفتی با این جریان نداریم و این مطالبه مردمی است و شما مجبور به پاسخ گویی هستید. لایحه حمایت از کودکان هم آخرین کاری که داریم انجام میدیم ما اول باید توجیه و تبیین داشته باشیم و ارتباط مستقیم بگیریم در فضای حقیقی و با این نشست ها و جلسات و همایش هایی که میگیریم بعد از آن در افراد ایجاد دغدغه کنیم و بعد از آن وارد عملیات مجازی بشیم.

قدیری: یکی از دوستانی که دعوتشون کردیم گفتیم همچنین جلسه ای داریم گفت اتفاقا من خودم ۱۵۰ تا نیرو دارم تو بسیج دانشجویی که بچه های فعال فضای مجازی اند. گفتم که تو که ۱۵۰ تا نیرو داری اینا به خودی خود کافی ان که تو یک چیز رو ببرند به سقف و یک موج ایجاد کنند! یعنی گاهی آمار اینطور است و اینکه می فرمایید ۷۰۰ لیدر در کشور دارید بعد خروجیش چیه؟

طالبی: دارم عرض میکنم خدمتون که آخرین کاری که کردیم خلخال زن یهودی بود و خروجیش رو در مرحله بعد میبینید. بزرگترین کارتون چی بوده؟ لایحه منع خشونت علیه زنان که خیانت آشکار بود کار کردیم و قوه قضاییه این جریان رو نگه داشت و ۴۰ ماده رو تغییر داد و با سند عرض میکنم خدمتون.

ما یک عملیات ایدایی تحت عنوان خلخال زن یهودی رفتیم (البته درست نیست بگم چون هنوز تمام نشده) چرا اینکار را کردیم؟ دیدم که دارن یه موجی ایجاد می کنند بر مبنای اینکه لایحه حمایت از کودکان باید در مجلس تصویب بشه و بره به سمت اجرا بعد دیدم شروع کردن کلیپ هایی که در این دو سه روزه مدام داشتن تکثیر میدادن که فلان بچه در فلان جا توسط پدرش فلان بلا سرش اومده یا توسط مادرش فلان شده، فهمیدیم دارن این کار را میکنند برای فشار به مجلس، چرا اینکار را میکردند؟ چون دستشان آمده بود لایحه حمایت از کودکان بندهایش ایرادات قانونی و فقهی داشت و ما بندهای آن را درآوردیم و به شورای نگهبان و قوه قضائیه دادیم و شورای نگهبان بلافاصله به ما اعلام کرد و به محض این که اینها لایحه رو برای ما بفرستند ما برمیگردانیم به قوه قضاییه که این ها باید اصلاح بشه، این به گوش این ها رسید شروع کردند این موج را راه انداختن برای فشار روی مجلس که باید این اتفاق بیفتد ما گفتیم چکار بکنیم چکار نکنیم؟ گفتیم الحمدلله خدا در دسترس ما قرار داده

میتونیم یه عملیات ایدایی انجام بدیم فضا را از دسترس اینها خارج کنیم خلخال زن یهودی رو بزیم فضا بیاد دست ما تا ان شاءالله فرصت پیدا کنیم تا فشار بیاریم روی مجلس که باید بره سمت شورای نگهبان و بعد بره سمت قوه قضاییه واصلاحات صورت بگیره و خیلی از کارها رو وقت نیست بگم و همه اینها با لطف خدا صورت گرفت.

این ۷۰۰ نفری که گفتم حدود ۳۰ نفر در فضای توییتر فعال اند و یه تعداد در سروش و یه تعداد هم در فضاهای دیگه مثل تلگرام و بله و...ولی مسئله اصلی این که اینا در سطح کشور دارن فعالیت میکنن و به صورت مبلغ اند.

توحید عزیزی: از لفظ ایدایی برای تاثیرگذاری کارتون استفاده نکنید چون این کاملاً دموکراتیکه و در آمریکا هم یه قانونی داره تصویب میشه که وقتی که مردم احساس میکنند چیزی به نفعشان نیست، مردم تلفن را بر میدارند و به نمایندگانشان می گویند، و این از بهترین کارهاست. و از سال ۸۸ جبهه مخالف و ضد انقلاب در کشور از این استفاده کردند برای مخالفت و اذیت و آزار مسئولین و خوبه ما از این استفاده کنیم.

نرگس قدیریان، فعال فرهنگی

حدود ۲۰ سال سابقه فعالیت روزنامه ای و نویسندگی و رسانه و همین حدود هم هست که در مجموعه های فرهنگی مختلف با بچه های جوان طلبه و دانشجو کار میکنم و همینطور که جمع صحبت هایی خوبی داشتند و برای اینکه عملی کنیم این پیشنهادات و خیلی نظریه پردازی نکنیم و برای عملی کردن اول باید محور مشخص کنیم، بعد تولید محتوا کنیم حول محورهایی که مشخص کردیم و واسطه ها رو حذف کنیم، یعنی ارتباطی که با بچه های جوان داریم و دختران دانشجو گله مند هستند اینها از همه مناطق تهران هستند و یکی از گله مندیهاشون اینه که ما زمان هایی که نیاز داریم به افرادی بیان به عنوان هادی سیاسی یا بیان به عنوان سخنران که موضوعات را روشن کنند برای ما افراد ضعیفی هستند که اگه دو تا سوال بپرسیم خودشون میموندن برای پاسخ و ما این واسطه ها را باید حذف کنیم و ارتباطمون نزدیک تر بشه و این محتوایی که تولید میشه ازش متحدا حمایت بشه و در بازپخش آن ازش حمایت بشه من فکر میکنم با تمام ضعف هایی که داریم هنوز زمین را واگذار نکردیم، شاید بشه گفت بحث رسانه ها و فضای مجازی چیزی شبیه سوریه است ولی ما هنوز داریم زمین رو دستمون داریم و اگر با بضاعت هایی که دور هم هستیم یک جمع بشه متحد بشه یک طوفان بزرگی راه میفته که مشخصا چند هزار خانم که باهاشون مرتبط هستیم داریم که میتونیم در فعالیت های مجازی ازشون استفاده کنیم در بازپخش تولیدات که اگر تولیدات غنی و قوی بشه و با یک دید روان شناسی تولید بشه تاثیرات فوق العاده ای میگذارد، یک ویدیویی تولید شده بود که به اسم تروریسم نمیدونم دیده بودید یا نه خانم ها یا آقایون این بسیار تاثیرگذار بود با

اینکه چند دقیقه پیش تر نبود در معرفی سازمان منافقین اگه این کارها افزایش پیدا بکنه و ما بتونیم میلیونی پخشش کنیم و به دست مخاطب خاکستری برسه قطعاً جواب میگیریم قطعاً.

یه مقدار روی بحث هادیان سیاسی و سخنان که میخوان پول دربیارن و با مردم ارتباط بگیرن کار کنیم خوب واقعا افرادی معرفی می شدند که بچه های بسیج به من میگفتند و من مشخصاً با بسیج کار نمیکنم ولی بخش زیادی از خواهر هایی که باهاشون کار میکنم بسیجی هستند، میگفتند آنقدر این افراد بی نظم و بی سواد و بی اطلاع و کم اطلاع اند که اصلاً بدتر یه جوری تبلیغ منفی به حساب میاد و من احساس میکنم حرف ها گفته شد و باید زمان بذاریم موضوع مشخص کنیم و ما میتوانیم حالت دفاعی نداشته باشیم ما میدونیم که دشمن کدوم محور ها رو میزنه به طور مثال میدونیم رهبری همیشه مورد حمله است، سپاه همیشه مورد حمله است، بسیج مورد حمله است اینها یا بحثی که الان داره خیلی داغ میشه بحث فراندوم، میدونیم اونها روی چه موضوعاتی کار می کنند ما روی این موضوعات ضد آن را کار کنیم.

قدیری: حمله که همیشه بوده دو سال است وارد فاز توهین شدند، نسبت به آقا وارد فاز دهن دریدگی و توهین شدند.

کبری آسوپار، عضو سرویس سیاسی روزنامه جوان

من فعالیت مجازی خودم و دوستانم در توییتر یا اینستاگرام یا هر پیام رسان و شبکه اجتماعی دیگه ای رو جزئی از یک فضای خیلی گسترده ای به اسم مدیریت افکار عمومی میدونم، فکر میکنم اونقدری که از دست من وهمه دوستانم چه اونایی که در این جلسه هستند و چه بقیه ی کاربران فعال فضای مجازی بوده هر کاری از دستشون برمیومده انجام دادند نهادهای انقلابی، نهاد های حکومتی و کلاً جمهوری اسلامی یک عده انسان را بدون سلاح فرستاده وسط میدان خیلی هامونم نفرستاده ما خودمون خواستیم که اونجا باشیم به خاطر اعتقادات ودغدغه هایی که برای نظام و انقلاب داشتیم این ها را بدون سلاح رها کرده و بعد میگه چرا شما از ما دفاع نمی کنید، شما باید از ما دفاع بکنید وبعد وظیفه دیفالت(پیش فرض) ماست که از نهادهای انقلابی همیشه دفاع بکنیم.

من فکر میکنم که این جلسه رو با مسئولین سپاه و قوه قضاییه، ائمه جمعه، صدا و سیما و بقیه مسئولین نهاد های انقلابی بگذارید و توجیهشون کنید که افکار عمومی نیاز به مدیریت داره و نهادهایی که بعضاً حتی توان دفاع از خودشون رو ندارند علی رغم اینکه رسانه های بیشمار دارند و این جلسات رو بذارید و اینبار به جای اینکه مسئولین نهادهای از ما مطالبه بکنند که در فلان موضوع از ما دفاع کردید یا نه ما مطالبه بکنیم که شما کجا بودید که اون

شبی که تو تویتر دعوا شد؟ یا تو اینستاگرام موج راه افتاده بود یا اون شبی که تلگرام دست سلطنت طلبان افتاده بود؟ فکر میکنم اینکه دائم از ما توقع داشته باشند خیلی گزاف یعنی هم زحمتی نکشیدند برای ماها که اومدیم بالا. مایلی وقتا در فضای مجازی شکست میخوریم من این رو قبول دارم اما به خاطر اینکه ما دیتا و اطلاعاتی در واقع نداریم همه فکر میکنند ما چقدر وصل به حکومت هستیم نیرویی که یک حزب الهی میاد واسه من در واقع یک خبرنگار روزنامه جوان وابسته به سپاه هستم مینویسه که شما رمز اطلاعاتی دارید اما هیچ چیزی هیچ اطلاعی ما نداریم، فقط بحث سپاه نیست ما توی قوه قضاییه موج راه میفته فوری فلان موج راه میفته که یکی رو میخوان آزاد کنن یکی رو گرفتن اعتصاب غذا کرده، قوه قضاییه آنقدر خسته است حوصله نداره از خودش دفاع کنه بعد توقع داره من کبری آسوپار یا توحید عزیزی یا اون یکی همه ازش دفاع بکنیم، به چه مناسبت من باید پیام از دستگاه قضایی دفاع بکنم؟ که حوصله دفاع از خودش رو نداره، چهارتا دیتا در اختیار من قرار نمیده که من بدونم فلان متهم رو اصلا برای چی گرفته؟ اعتصاب غذا کرده یا نکرده؟ الان حالش بده رفته بیمارستان یا نرفته؟ هیچکدوم این اطلاعات رو ندارم.

مأده هژبری رو گرفتن اعترافش رو پخش کردن توقع دارن من انقلابی ارزشی کف فضای مجازی ازشون دفاع بکنم، کدوم اطلاعات رو ناجا، صدا و سیما یا قوه قضاییه در اختیار من قرار داده بود؟ کجا فکر کرده بود که باید مدیریت افکار عمومی داشت در این موضوع؟ سه چهار هفته بعد دوستان به من زنگ زدن که آقای رنجبران به عنوان روابط عمومی صدا و سیما میخواد درباره این موضوع توضیح بده دیگه چه توضیحی؟ آبروریزی که میخواست به شده دیگه تموم شده رفته.

اسرائیل مدعی میشه که علیه سپاه توی سوریه عملیات انجام داده، حتی رسانه های خودش رو هم آدم حساب نمیکنه خبر رو نشون بده، اصلا هیچی ما هیچ اطلاعی نداریم تو خیابان پاسداران درگیری شده ناجا میاد اطلاعیه میده که ما سه تا از نیروهامون شهید شدن و عصر همون روز اعلام میکنه تا ۶ ماه بعد ما باید دنبال این بگردیم که غیر از این سه تا که از بچه های ناجا بودند از بچه های سپاه کی در واقع شهید شده؟ اصلا انگیزه این را دارند که افکار عمومی را در این موضوع مدیریت کنند؟ یا نه همچین انگیزه ای نیست و باید خودمون در واقع یه راهها و روزنه هایی پیدا کنیم. در فضایی که ما هستیم به نظرم الان خیلی مهم نیست که الان چه اتفاقی میفته مهم اینه که شما چه روایتی از اون ماجرا ارائه میدید و چه کار می کنید؟

بینید تو موضوعی که اخیرا سر موضوع همین محمد ثلاث پیش اومد و میخواستند اعدامش بکنند کلی دعوا کردیم ماه های متمادی و کسی رو که مسلم بوده که مجرم و اعترافات داره، بعد از اینکه حکم اجرا و تموم شده وزیر امور خارجه آمریکا اومده و حرف زده تازه دادستانی اومده و گفته من موقعی که رفتم بیمارستان از این آدم اعتراف بگیرم فیلم ازش ضبط کردن و اینم فیلماش.

میدونید چرا این اتفاق میفته و تا وقتی وزیر امور خارجه آمریکا حرف نزده بود نمایان اطلاع رسانی کنند؟ چون وزیر امور خارجه آمریکا مهم اما فضایی که کف فضای مجازی اصلا برای دادستان ذره ای ارزش نداره، موج راه افتاده باشه که باشه، بعد هم میان میگن شما فعالان فضای مجازی نتونستید دفاع کنید؟ چیه من دفاع کنم وقتی هیچ اطلاعاتی از طرف ندارم و هیچ اطلاعی به من ندادید.

بینید یک شب توی درگیری ها و آشوب های دی ماه ۹۶ من تویتر رو باز کردم و دیدم چقدر آشوب هست در مورد اینکه شهر ایزه سقوط کرده، اینها از قبل همشون هماهنگ بودن شما کافی بود ایزه سرچ بکنی ببینی چی میاد. ما چی در دسترس داشتیم؟ هیچی تمام ارتباط اینترنتی و تلفنی ایزه هم قطع بود و ما هیچ خبری نمیتونستیم بگیریم چرا؟ چون نیروهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی فکر کردن باید کف خیابون با آشوب گر بجنگند و فکر نکردن که این آشوب گرا یک در واقع گلدان مجازی هم دارند و اینا هم باید یک گلدان مجازی داشته باشند.

تو همه بخش ها هست و من فکر میکنم که الان فایده ای نداره با ما جلسه بذارید ما به اندازه کافی و کفایت وظایفمون رو انجام دادیم و کسانی که باید وظیفشون رو انجام بدن و کار رو پیش ببرن جاهای دیگه و توی اتاقشون و پشت میزشون نشستند و ممکنه پنجرشون هم باز نکنند که یه هوایی از فضای مجازی به ذهنشون برسه چه برسه به اینکه از مجاز به حقیقت و یا حقیقت به مجاز برسین اینها رو من واقعا متوجه نمیشم.

فاطمه مهربان، فعال فضای مجازی

فعال فضای مجازی هستم مخصوصا تویتر از سال ۸۶ هم فعال هستم در فضای رسانه و فضای مجازی، من نکات همه دوستان رو تایید میکنم و همه دوستان یک جور حرفاشون قطعاتی از یک پازل بود که کنار هم قرار گرفت و خیلی هم عالی بود منتهی چیزی که مد نظر من هست و در تمام جلسات فضای مجازی که دوستان لطف میکنند و بنده رو دعوت میکنند خدمت شما میگم حضرت آقا میفرمایند: ما یک جاده ای رو داریم میریم که آسفالت نیست و سنگلاخ و کلوخ داره و از این پیچ تاریخی هم رد خواهیم شد، مهم اینه که چطور این پیچ رو رد میشیم یعنی ابزار رد شدن خیلی مهمه. ظرفیت شناسی باید کرد یکی از چیزهایی که باعث میشه ظرفیت شناسی اتفاق بیفته آموزش سواد رسانه ایه خیلی از بچه هایی که داخل فضای مجازی دارن فعالیت میکنن تحت عنوان بچه حزب اللهی که شاید خیلی از فضای رسانه ای یا از فضای سواد رسانه ای آگاه نیستند این خیلی معضل بزرگیه ما کسانی رو داریم که خیلی بسیجی وار پایگاه بسیجش رو ول کرده اومده داخل فضای مجازی و داره میگه من افسر جنگ نرمم و ممکن خیلی سوتی ها بده و خیلی اشکالات داشته باشه، ممکنه اصلا یک چیزهایی رو اشتباه بگه، خیلی از اتفاقات و دعوائی که ما با جریان اصلاح طلب در کشور داریم به خاطر عدم اطلاعات دقیق بچه های حزب اللهیه که این برمی گرده به ضعف مطالعاتی آنها، ضعف اینکه نهادها این بچه ها رو حمایت نکردند تحت عنوان سواد رسانه ای یا

جلساتی برایشون برگزار کنند و ساختار سیاسی بهشون یاد بدن، عملیات روانی بهشون یاد بدن این خیلی مهمه، بچه ها هنوز خیلی ساختار های سیاسی رو نمیشناسن ضمن اینکه شنیدن توییت‌ها یک فضای سیاسییه یک دعوایی در آن هست تحت عنوان نخبگانی اومدن دارن فعالیت میکنن خیلی هم عالیه اما این ها باید سازمان دهی بشه، شاید ایراد اصلی که به این همه فعالیت دوستان و ثمره قابل توجهی نمیده همین منسجم کردنشان در بحث سواد رسانه ای و ظرفیت شناسی ها و استعدادیابی هاست که این باید تحت نظارت یکسری سازمان های خاص باشه میخواد سپاه باشه یا هر جای دیگه، دوستان باید زحمت بکشن و این کار را کنند چون دوستان واقعا دارن زحمت میکشن و واقعا دریغ نکردن یعنی به قول دوستان خودمون میگن امام حسینی وار همه اومدن وارد توییت‌ها شدن و احساس میکنن دارن به وظیفشون عمل میکنند اما اینکه یک رهبری وجود داشته باشه واسه هدایت این جریان متأسفانه وجود نداره! و همه هم داد میزنن فلان حزب اللهی فلانی رو قبول نداره و اصلا هم دیگه رو قبول ندارند و وقتی کسی نمیداد رهبری این جمع رو قبول کنه این اتفاق میفته که ثمره فعالیت بچه ها با یک هشتگ گذاری ترند میشه و بعد دو روز بعد میاد پایین، ببینید فقط رهبری نیست، آموزش و سواد رسانه ای هست، شبکه سازی هست، بچه ها باید ساختارهای سیاسی رو بشناسند و بنده خودم دکتری روابط بین الملل دارم شاید من ادعا کنم که همه رو میشناسم ولی بازم نمیشناسم یعنی انقدر جریانات مختلفی وجود داره در دنیا، منتهی بچه حزب اللهی ها متأسفانه مشرف نیستند یعنی درسته که ما ضعف محتوا داریم اما این ضعف محتوا به خاطر مطالعه کم و یا آموزش های کم هستش. الان ببینید نتانیاهاو سریع تا به بحران آب پیش میاد سریع به کلیپی خیلی قشنگ در حد ۲۰ الی ۳۰ ثانیه میگه با جملات کارشناسی شده دقیق ایجاد میکنه و این کلیپ رو میدن بیرون اسم فاطمه هم میدناره تو این قضیه یکی از منشن هایی که به نتانیاهاو داده شد بنده بودم به عنوان اکانت فاطمه مهربان گفتم من فاطمه مهربان هستم و تو هیچ غلطی نمیتونی بکنی، فاطمه ای که اون به کار برده بود یک شخصیت مذهبی یک اسمی که در داخل جامعه ایران دارای حرمتی بین چه قشر مذهبی چه خاکستری اسم فاطمه را پذیرفتند و اومد با قالب فاطمه یعنی با ابزار ما علیه خود ما حمله کرد. من میام میگم که چرا یکی از آقایون ما که در داخل توییت‌ها هستند رهبران حالا جریانات سیاسی هیچ کدام میان چنین کلیپی ایجاد نکنند و بدن، ما حاج حسین یکتا رو گل نکردیم متأسفانه و بنده خدا خودشون اومدن با هشتگ روایت مردم اسم چهارتا از بچه بسیجی های توییت‌ها رو آوردن بالا خوب چرا باید این اتفاق بیفته؟

علی قلمی، فعال توییت‌ری

ما از این تیپ جلسات هفته ای ۱۰ الی ۱۵ تا نوع های مختلف را میریم و دو سه سالم هست شکل گرفته و من نمیدونم مزیت نسبی این جلسه به جلسات و جمع های دیگه چیه؟ و قراره چه اتفاق خاصی رو رقم بزنه؟ اصلش که

راه افتاده خوبه اما باید سریعتر معلوم بشه مزیت نسبی این جلسه چیه دیدار با سران قو یا مسئولین که دو سه سال ما جلسه فعالان فضای مجازی داریم. و حتما باید مزیت نسبی برای جلسه بعد معلوم بشه که ما علاقه داشته باشیم اینجا شرکت کنیم.

دکتر زهرا طباحی، فعال فضای مجازی

به نظرم ما تو سه حوزه شکست خوردیم: نمایه، شبکه و کارآمدی، نمایه مون چیه؟ ما آدم های طرفدار حاکمیت، چه از کسانی که به آقای روحانی رای دادن، چه از کسانی که به آقای رئیسی رای دادن، طرفدارای آقای قالیباف و بقیه، الان فضای عمومی داره به این سمت میره که ما آدمای به درد نخوری هستیم. یعنی ما آدمای توانمندی نیستیم، کارآمدی نداریم. بنابراین چه لزومی داره دیگران عضو شبکه ما باشن؟ دوس داشته باشن با ما تیم داشته باشن؟ مثلاً بیان پای درد و دل ما بشینن، یعنی برنند ما، برنند حاکمیتی ما کلاً صدمه دیده، اینم اختصاصی حزب الهی ها و غیر حزب الهی ها نیست. مردم دارن به شدت سکولار میشن. یعنی از دخالت دادن مباحث مذهبی و حتی مباحث جمهوری اسلامی و حاکمیتی در مسائل زندگی شون لذت نمی برن. دوس دارن خصوصی باشه اگر موضوعی رو محدود هم بکنن. چه تو حوزه فرهنگ باشه، چه تو حوزه سیاست باشه دوس دارن خصوصی و خویش فرما این کار رو انجام بدن. یعنی اگه اون حرفی که خوب هستش و خودشون بهش معتقد هستن، مثلاً من چادری بهشون بگم موضع می گیرن! نه نه نه! پورن هم خوبه! مثلاً اینکه تو اینستاگرام چیزای عریان نشون میدن، فیلم کذا هم نشون میدن خیلیم خوبه! میدونی چرا؟ چون من و امثال منو دوس نداره نمی خواد تو امورش دخالت کنیم. علتش هم اینه که ما زیاد اشتباه کردیم. جاهایی که نباید دخالت می کردیم، دخالت کردیم. جاهایی که باید ورود میکردیم و سریع یه مساله ای رو حل می کردیم، کم کاری کردیم، ورود نداشتیم، بودجه مون رو جاهای بیخودی هزینه کردیم، ارتباط موثر نداشتیم، یه جایی کارخوبی انجام دادیم ولی نتونستیم قشنگ به مردم توضیح بدیم که مای حاکمیت اینکارو کردیم، حالا هر بخشی که هستیم. با بخش خصوصی وارد رقابت بیهوده شدیم، در حالی که بخش خصوصی اصلاً رقیب ما نبوده، یه بخشی بوده که ما تازه باید یه دستی هم سرش می کشیدیم. همه اینها باعث میشه که شکاف های کوچولو کوچولویی ایجاد بشه و سر بزنگاه ها ما رو دوس نداشته باشن، تحویلمون نگیرن، ما میگیم به فلانی رای بده، مثال عرض می کنم من شخصی، منی که توفلان مسجد فعالم بگه نه من اصلاً با اینا نمی خوام باشم. چکار باید بکنیم که نمایه مون اصلاح بشه؟ وقتی یکی همچین اتفاقی براش میفته، چه فرد باشه، چه سیستم باشه، چه شرکت باشه نمایه ش کثیف شده، خراب شده، برنش خراب شده باید بیاد یه برنامه بچینه برای اینکه برنش رو احیا کنه تو حوزه تجارت، تو حوزه اقتصاد، تو رسانه برنامه هایی وجود داره. مثلاً میگه که برنند صدا و سیما صدمه خورده، پس میاد یه برنامه های اجتماعی درست میکنه، برای اینکه خودش رو

مردمی نشون بده و همین خودش باعث میشه مردم کم کم با این بخشش آشتی بکنن، حالا ممکنه با بخش های دیگه هنوز زاویه داشته باشن. تو حوزه حاکمیتی تر چطور؟ مثلاً شهرداری رو در نظر بگیرد. مردم بالذات تعارضات زیادی با شهرداری ندارن. شهرداری رو به جور نهاد خدمتگذار میدونن و مثل قوه قضائیه نیست که تعارضاتش زیاد باشه. حالا میمونه اینکه کارآمدی تون رو معرفی بکنید و براش تو ذهن مردم جایگاه درست کنید که سریع اینها به همدیگه مچ بشن. خب خیلی کارها انجام دادید، دمتون گرم، دستتون درد نکنه، آیا ارتباط موثری هم با مردم تونستید برقرار بکنید؟ شما تو این حوزه دو بخش میشدید، یه بخش سکولارها تون هستن یه بخش مذهبی هاتون هستن. سکولارها تون فرهنگسراها رو فعال کردن، فیلم می سازن، کنسرت برگزار می کنن، یه کارهای خوبی دارن انجام میدن و موفقیت هایی رو بدست آوردن، کلاس تشکیل دادن، بچه ها رو سرگرم کردن، رو سلبیتی ها سرمایه گذاری کردن، کلاً تو ارتباط موثر موفقیت خوبی داشتن، یعنی حتی اگه کار کمتری هم انجام دادن، خیلی خوب خودشون رو پروموت کردن و مرجعیت هم ایجاد کردن، دوششون دارن مردم، میگن اینا مفیدن، اینا به بچه های ما سرویس میدن، کارای خوبی می کنن، تکنوکراتن، شما چطور؟ اگه الان که برندن ما خراب شده ما صرفاً بیایم رو حوزه سیاسی، رو هادیان مون و اینها که آخرین کار رو انجام میدن، یعنی میرن به مردم میگن این کار رو انجام بده، این کار رو انجام نده. اگه صرفاً بیایم رو اینا سرمایه گذاری کنیم، باز به همون سمت میریم، یعنی چون این سری ناکارآمدی بیشتر شده، نارضایتی بیشتر شده، مشکلات اقتصادی بیشتر شده، احتمالاً میگن نه کار « ما با اینها حال نمی کنیم، به اینها رای نمیدیم. اگه بریم رو یه حوزه ی دیگه کار کنیم چطور؟ مهمترین نمایه بسیج بوده از اول انقلاب که به وجود اومد. بسیج شبکه ی ما بوده، شبکه ی انقلاب بسیج بوده، همون شبکه ای که انقلاب «جهادی کرد، به فرمان امام(ره) اومد بسیج رو تشکیل داد. بسیج چکار میکرده؟ کار اجرایی می کرده، فقط فرمانفرمایی نمی کرده، نمیگفته مردم انقلاب کنید! مردم خون بدهید! بسیج میرفته اون موقعی که کشاورزها نیاز داشتن گندمشون رو درو کنن، دسته جمعی بچه ها بریم، بریم درو کنیم. اون موقعی که مردم امنیتشون مشکل داشته، بچه ها بریم شبها پست بدیم. الان مردم چی احتیاج دارن؟ ما توفضای شهری چیزی به نام کار جهادی به اون معنا نداریم، یه رابطه ی کاملاً طلبکارانه ی مردم از حاکمیت داریم. چرا اینجا کثیف است! چرا آشغال ها به موقع جمع آوری نشده است! چرا درختان هرس نشده اند! چرا برف روبی نشده است! چرا به موقع فلان نشده است! حالت فرمانفرمایی وجود داره. جهان اول دارن به کدوم سمت میرن؟ دارن میرن C به سمت کرادفاندینگ () یا جمعیت مداری. یعنی ما مردم رو، نیروها و توانمندی هاشون رو بکار بگیریم rowd funding برای اینکه مشکلات کوچک منطقه های شهری رو حل کنن. بریم یه خورده جزئی تر، اگه یه خانواده ای تو یه محله ی با کلاس و خوب، ولنجک مثلاً سقف خونه شون خراب بشه، پولدارم نباشن، از اون قدیمیایی باشن که ساکن ولنجک هستن، باید چکار بکنن؟ باید برن کمیته امداد؟ یا باید برن خیریه های مختلف وام بگیرن؟ تلاش کنن، رفتیم وام بگیریم کسی ضامن ما نشد! خیلی وضعیت سخت و دشواری براشون پیش می آد، درسته؟ اگه ما تو اون محله، یه

پایگاه بسیج داریم، به شناسایی خوبی از همون محله ی کوچولوی خودش داشته باشه، بدونه کیا فقیرن، کیا پولدار هستن، کیا فلان مشکل رو دارن، حتی کیا سلیقه سیاسیشون چیه؟ خب اینکار سختی نیستش که، ما الان به صورت نسبی و حدودی هم همسایه هامون رو میبینیم، می دونیم فاز اینها چیه، اینها ماهواره نگاه می کنن، اینها آهنگ گوش میدن، اینها حزب اللهی ان، اینها نذری پخش می کنن، اینها هیات دارن، حدودی خودمون می دونیم، حالا فرض کنید به مقدار منظم تر بشه. ایشون خیر هستن ایشون پولدارن، ایشون آدم پاکاری هستن، هرجا بدونن مشکلی هستش دست به خیر دارن، دوس دارن کمک بکنن، ایشون جوون بیکار دارن، ایشونم مشکل دارن، منم مشکل دارم. آیا ما می تونیم اینها رو به هم وصل کنیم برای اینکه به کار مفیدی تو اون محله انجام بشه؟ بله کار زیاد سختی نیست، من اگه بخواین فیلمهای خارجیش رو هم میارم. مثلاً تو به مورد به بچه هست که بیماری لاعلاج گرفته، بیمارستان بستری شده بخاطر اینکه مسیر خونه ش آپارتمانی بوده و آسانسور نداشتن نمی تونسته این بچه بیاد خونه، ویلچری بوده، مکرر باید به بیمارستان دسترسی می داشته، مثلاً ما میگی فلان شرکت سیمان سازی که با سپاه هم کار میکنه و با هم مرتبط هستن، خب سیمانش رو من می دم، این بچه های محله که بیکار بودن میگن کارگریش رو ما انجام میدیم، فلان نجار گفت من می تونم به نصف روز براتون جمعه وقت بذارم، اون یکی گفت من مهندس معمار هستم، نقشه تون رو میکشم، آقا اومدن به کار کوچولویی انجام بدن با به هزینه خیلی حداقلی که حاکمیت گذاشته بود و با کار مردم به مشکلی رو حل کردن. نتیجه ش چی میشه؟ مردم احساس می کنن با مدیریت به سازمان حاکمیتی به کار بزرگی رو انجام دادن. خودشون رو دوس خواهند داشت. پیوندهای بینشون محکم تر میشه. همون چیزی که ما میگی همسایه از همسایه خبرنداره! همسایشون رو میشناسن، به کار مثبتی براش انجام دادن، وام نگرفته، تو صف نمونده، طلبکارنداره، کرامتش حفظ شده، به نظام فحش نمیده، پنجاه نفر هم مشکلهش رو نشنیدن تو شبکه های اجتماعی بگن آبی بر پدر فلان فلان شده تون که به وام ندادین به این بدبخت سقفش داره میریزه! بعد چکار کنیم؟ بعد همه ی این کارهای کوچیک کوچیک رو بیاریم رسانه ای کنیم. به درگاه تو توییتر داریم، به درگاه تو تلگرام داریم، به درگاه تو اینستاگرام داریم، هر کدوم مال محله فلان، برند انقلابی ها به صورت خیلی ظریف میادش بالا، حزب اللهی ها چکار کردن؟ ببینید. ما کار خاصی نکردیم! ما فقط مردم رو به هم وصل کردیم، هرچی بوده خودشون بودن، دمشون گرم، باریک الله. حالا آیا اگه کسی پنج پروژه موفق در سال داشته باشه، اگه فردا روزی بگه که تشریف بیارین اینجا ما به جلسه ی سیاسی داریم، شربت و شیرینی هم بخورین شما میرید یا نه؟ شما حتماً میرید، میگید اینها چه آدمهای حسابی هستن اینهمه زحمت کشیدن حالا به بار هم گفتن بیاین اینجا به تحلیل سیاسی هم بکنیم، نظر شما رو بشنویم. ما نظرمون رو میگی شما هم نظرتون رو بگین، به نظرتون اصلاً چطور پیش بریم بهتره؟ یعنی به حالت تعاملی هم پیدا می کنیم. اینجا چون فعالیت سیاسی ضمیمه میشه به اون فعالیت اجتماعی که ما انجام دادیم، شبکه ی ما هم ترمیم میشه. برند ما تو فضای «کرافاندینگ» شسته میشه، تمیز میشه، منظم میشه، بالا میادش، این حالا مثلاً به ایده ی معمولی بود

که الان این جهانی خیلی مطرحه، واسه اینکه تو همه جهان این آنارشیسم و بی نظمی زیاد شده یعنی طلبکاری از لیبرالیسم هم ما خیلی داریم. مثلاً آمریکایی ها هم میگن این چه وضع زندگی ماست، اروپایی ها هم هینطور، به هر حال ما کار جهادی تو شهرها نداشتیم. حالا شما چهارتا حزب اللهی هستین که اینکارو انجام دادید، شما اصلاً با چفیه و لباس رزمتون بیاین اون کار رو انجام بدین، همینکه در کنار اون مردم باشیم، با هم یه شربتی می خوریم، یه بستنی می خوریم، عرق می ریزیم، زحمت می کشیم، هر روز میریم برنامه ریزی می کنیم، شناسایی می کنیم، فلان کس فلان مشکل رو داره، خواهش می کنم جایی مطرح نشه، یهویی جمعه بریم فلان کارش رو انجام بدیم، این بیکاری رو هم خودش تحت پوشش قرار میده و چه بسا توهمین تعاملات کار برای این هم پیدا بشه، شوهر برای اون هم پیدا بشه، زن برای این هم پیدا بشه، یعنی اون محله ی پویای اسلامی که واقعاً مدنظر یه حکومت اسلامی باید باشه رو شاید بشه با این کار راه انداخت. خیرخواهانی که خیلی هم نمایه ی مذهبی ندارن ولی حقیقتاً مذهب رو هم بالا میکشن و کارآمدی سیستم رو هم بالا می کشن.